

درباره «چهارباغ» مشهد که قدمتی بیش از خیابان همنام اصفهانی‌اش دارد

# کوچه‌ای باقی‌مانده از عهد تیموری

رضا سلیمان نوری / خراسان پژوه

وقتی سخن از «چهارباغ» می‌شود اغلب مردم ایران به یاد «چهارباغ، خیابان تاریخی و مشهور اصفهان می‌افتند، این در حالی است که به گواه اسناد مشهد و به عبارت بهتر توس سال‌های بسیار پیش‌تر از اصفهان، میزبان نخستین چهارباغ بوده است. اگر چه بر اساس روایت‌های معتبر موجود، قدمت چهارباغ مشهد را به ابتدای قرن نهم هجری قمری، یعنی دوران حکومت شاهرخ تیموری دانسته‌اند، اما روایت‌ها و سندهایی موجود است که قدمت محله چهارباغ مشهد را به سال‌ها پیش از حکومت شاهرخ تیموری نسبت می‌دهد جایی که ساخت آن به همت خواجه‌نظام الملک توسی رخ داده‌است، البته چهارباغ نابود شده در حمله تیموریان در توس، یگانه چهارباغ پیش از اصفهان خطه خراسان نیست و در همان دوره تیموری ابتدا در هرات و سپس در مشهد چهارباغ‌هایی ایجاد شد که اکنون نمونه هرات آن تقریبا به صورت کامل و نمونه مشهد آن در حد یک محله کوچک باقی مانده است. بی‌مناسبت ندیدیم که مطلب این شماره را اختصاص دهیم به آنچه اکنون به عنوان کوچه و محله چهارباغ در مشهد وجود دارد.

- گذشته چهارباغ

همان گونه که اشاره شد سابقه چهارباغ در مشهد دست کم به عهد تیموری می‌رسد و در دوران شاهرخ تیموری ارگ حکومتی شهر در این محدوده بوده‌است. در سال‌های پس از آن نیز خاصه در دوران نادری و عهد قاجار این محدوده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و محدوده اعیان نشین شهر محسوب می‌شد. اگر بخواهیم زمانی را برای تغییر وضعیت این محله بیان کنیم باید دوران احداث خیابان شاه‌رضا نو یا همان آیت‌ا... خزعلی کنونی یعنی دهه دوم قرن چهارده هجری را آغاز تغییر ماهیت این محدوده قلمداد کنیم. در آن دوران و با احداث این خیابان، بخشی از محله حدفاصل قیرستان سراب تا خیابان مورد بحث از چهارباغ جدا شد و به محله سراب پیوست و همین امر هم باعث شد به مرور زمان بافت این بخش از شهر که روزگاری محل اسکان شخصیت‌های اداری و حکومتی شهر بود به بافت دیگر مناطق اطراف حرم نزدیک شود، البته تغییر و تحولات سال‌های پس از انقلاب هم در این امر به شدت مؤثر بود تا جایی که الان از محله قدیم چهارباغ جزیره‌هایی جدا از هم باقی مانده که مهم‌ترین آن‌ها همان کوچه چهارباغ و میدانگانی آن است.

- بازار مرکزی



نخستین پلاک مهم در کوچه چهارباغ امروزی، مجموعه موسوم به بازار مرکزی است که خود از دو بازار شماره یک و دو با دو معماری و تاریخچه جدا تشکیل شده‌است. این هر دو بازار بر روی زمین‌های موسوم به نظام‌الملکی‌ها ساخته شده‌اند با این تفاوت که معماری بازار شماره یک ایرانی و اسلامی‌تر و معماری بازار شماره دو غربی‌تر است. بازار شماره یک که سه ورودی دیگر آن به ترتیب در حاشیه خیابان آیت‌ا... شیرازی کنونی یا همان بالاخیابان، حاشیه خیابان آیت‌ا... خزعلی کنونی و شهیدرجایی دهه‌های نخست پس از انقلاب و شاه‌رضای قبل از انقلاب و انتهای شهرک نظام‌الملکی‌ها قرار دارد، اواسط دهه ۷۰ به بهره‌برداری رسید و در زمان خود یک کار زیبا در راستای حفظ فضای فرهنگی اسلامی خیابان‌های مجاور حرم بود. در این بنا برای جلوگیری از ایجاد هرگونه تصویر مخدوشی در فضاهای پیرامونی حرم مطهر نه تنها آجر به عنوان مصالح اصلی نمای آن استفاده شد تا هماهنگی با فضاهای داخلی حرم مطهر داشته باشد، بلکه یک طبقه از آن در پایین‌تر از سطح تراز شهری منطقه ایجاد شد تا هیچ مزاحمت بصری برای نمای عمومی حرم مطهر رضوی ایجاد نکند، البته این مسائل هیچ کدام رعایت نشد. به‌ویژه در ساخت فاز ۲ این بازار که به نوعی در دل بازار نخست در دهه ۸۰ ساخته شد، تا این دو بخش بازار

کوتاه درباره خانه تاریخی عطاریانی در خیابان بهجت

## خانه‌ای با کتیبه لاجوردی



کاشی آبی

مرکزی هر کدام نمادی از نگاه مدیران آستان قدس به شهر در یک دوره زمانی خاص باشند. بازار مرکزی شماره ۴ دارای دو ورودی است که ورودی داخل کوچه چهارباغ آن تاحدی با بازار شماره یک هماهنگی دارد، اما فضای این بازار از ورودی حاشیه خیابان آیت‌ا... شیرازی تناسبی با بخش نخست این بازار ندارد. ناگفته‌نماند که مجموعه بازار مرکزی بزرگ‌ترین فضای تجاری متعلق به آستان قدس در شهر مشهد است.

- کوچک‌ترین شهرک ایران

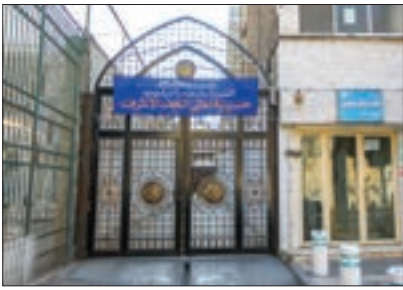
درست در مجاورت بازار مرکزی شماره یک، یگانه کوچه کنونی موجود در بافت راسته کوچه چهارباغ قبل از رسیدن به میدانگاهی آن خودنمایی می‌کند. این کوچه که میزبان کوچک‌ترین شهرک مسکونی ایران با تنها ۱۷ پلاک مسکونی است به نام فامیل صاحبان اولیه این مجموعه خانه به کوچه نظام‌الملکی‌ها مشهور است، البته این کوچه تا سال‌های ابتدای دهه ۶۰ قرن چهارده هجری بخشی از باغ نیمه مخروبه نظام‌الملک یا همان باغ فلاحتی یکی از چهارباغ قرار گرفته‌در محدوده محله چهارباغ بود. در این دوره زمانی توافق بین ورثه نظام‌الملک توسی ساکن مشهد با آستان قدس انجام شد که در ازای احداث شهرکی کوچک برای این افراد، آستان قدس در بقیه باغ به احداث یک مجموعه تجاری اقدام کند و بدین‌گونه بازار مرکزی شماره یک و شهرک نظام‌الملکی‌ها و البته چند مغازه ابتدای آن متولد شدند. ناگفته نماند که در بخشی از ابتدای این شهرک ورودی دوم مجموعه آموزشی بین المللی مستقر در کوچه مخابرات قرار دارد که ویژه دانش‌آموزان عرب‌زبان به ویژه عراقی‌های مقیم مشهد است.

- میدان چهارباغ

کوچه چهارباغ در ادامه به فضایی میدان‌مانند که به آن میدانگاهی چهارباغ می‌گویند، ختم شده‌است. از این میدانگاهی در گذشته ۷ و اکنون ۶ کوچه منشعب می‌شود. سه کوچه از این جمع بن‌بست بوده و دو مورد از آن‌ها در سمت چپ و کوچه دیگری که کوتاه‌ترین بن‌بست منتهی به میدان است در سمت راست آن قرار دارد. کوچه‌های منتهی دیگر به این میدان، یکی همان کوچه چهارباغ منشعب از بالاخیابان یا خیابان آیت‌ا... شیرازی است و دیگری کوچه مشهور به مخابرات منشعب از خیابان آیت‌ا... خزعلی که در اصل ادامه راسته کوچه سراب و بخشی از قدیمی‌ترین گذر منتهی به حرم مطهر در شهر است که روزگاری سناباد را به میدان سرسنگ و بازار زنجیر وصل می‌کردند. سومین کوچه کنونی منتهی به میدانگاهی چهارباغ هم ادامه همان کوچه مخابرات است که از طریق کوچه قدیمی ملک و راسته کوچه رضوی‌ها و کوچه چراغ‌برق به حرم مطهر وصل می‌شده است. و اما کوچه مفقود شده در این بخش از شهر که روزگاری نگین شهر محسوب می‌شده کوچه حاج محمود هراتی است که در جریان ساخت یک مجتمع بزرگ تجاری و اقامتی و البته خیابان آیت‌ا... واعظ طبسی به طور کامل نابود شد. حاج محمود هراتی همان شخصی است که خانه وی در کوچه مزین به نامش محل اسکان پادشاه افغانستان به هنگام سفر به ایران بوده است. میدانگاهی چهارباغ صرف نظر از داستان ورودی‌های آن از منظر دیگری هم در

روزگار گذشته بسیار مهم بوده است. این میدان در سال‌های نه چندان دور و هنگامی که هنوز بازار سرپوش مشهد خراب نشده بود، یعنی حدود دهه‌های ۲۰ تا ۵۰ قرن چهارده هجری شمسی محل اجتماع هیئت‌های عزادار و اجرای مراسم عزاداری قبل از ورود به بازار زنجیر بوده است. به عبارت دیگر نقطه ثقل و هماهنگی دسته‌های متحد عزاداری محدوده بالاخیابان در روزهای عزای حسینی و رضوی قبل از وارد شدن به بازار مشهد و سپس حرم مطهر رضوی میدانگاهی چهارباغ بوده است.

- حسینیه نجفی‌ها



مهم‌ترین بنای مذهبی کنونی موجود در محدوده کوچه و میدان چهارباغ، حسینیه نجفی‌های مقیم مشهد است. این بنا که در انتهای نخستین کوچه سمت چپ میدان و تنها کوچه اختصاصی این محدوده قرار دارد، پیش از تبدیل شدن به حسینیه، محل اسکان خانواده پوریعقوبی بود که قبل از انقلاب نمایندگی قطعات خودروهای سنگین را در سطح شرق کشور در اختیار داشتند. این خانه قبل از تبدیل شدن به حسینیه شامل یک خانه بزرگ پهلوی اول با آب‌انبار و استخر اختصاصی و یک خانه قدیمی‌تر و کوچک‌تر ساخته شده در انتهای دوران قاجار بود که هر دو این بناها در سال‌های نخست دهه ۶۰ هجری و پس از تغییر مالکیت تخریب شدند و به یک فضای مسقف بزرگ یا همان حسینیه نجفی‌های مقیم ارض اقدس تبدیل شدند، البته هرچند تخریب این بنای زیبا باعث نابودی بخشی از گذشته مشهد شده بود، اما حسینیه جانشین آن به دلیل آیین‌های ویژه‌ای که میزبان آن است به یکی از نمادهای هویت دینی مشهد در دهه‌های معاصر تبدیل شد. این حسینیه در سال‌های اخیر میزبان عزاداری‌های خاصی چون مقتل خوانی‌های باشکوه مرحوم آیت‌ا... سیبویه که از او به عنوان احیاکننده مقتل خوانی در ایران نام برده می‌شود و البته مشعل گردانی خاص نجفی‌ها در شب‌های عزای حسینی و رضوی بوده و هست.

- خانه‌ای هنری فرهنگی



حدفاصل بین کوچه حسینیه نجفی‌ها و دیگر

## کوچه گردی



فرعی‌های موجود در سمت چپ میدان، تنها یک پلاک وجود دارد که هرچند اکنون شامل یک دفتر گردشگری و بنای اقامتی است، اما خود داستانی خاص در همین سال‌های سده معاصر دارد. این خانه در نیمه اول سده چهارده هجری میزبان خاندان فرهنگی افشار لاهوری بوده است. بزرگ این خاندان یعنی محمدابراهیم افشار لاهوری در سال‌های دهه ۲۰ تا ۴۰ هجری در فضای تجاری این مجموعه به کار خیاطی مشغول بوده‌است، البته او خیاط عادی محسوب نمی‌شده و تنها برای یک قشر خاص یعنی کارکنان کنسولگری بریتانیا و سپس انگلیس در مشهد در درجه نخست و دیگر انگلیسی‌های مقیم مشهد در درجه دوم خیاطی می‌کرده‌است و به عبارت بهتر وی خیاط انگلیسی‌ها یا خیاط کنسولگری بریتانیا در مشهد بوده است. فرزندان وی اما راه دیگری را برگزیدند و اغلب در حوزه آموزش و پرورش به فعالیت پرداختند و از جمله یکی از دختران وی مؤسس نخستین دبستان مختلط مشهد در دوران پهلوی دوم و دامادش مؤسس نخستین دبیرستان خصوصی مشهد در همان دوران بودند.

- نماهای اطراف میدان

یکی از جاذبه‌های میدان چهارباغ وجود خانه‌هایی با نماهای زیبا در دو سوی میدان است. در سمت چپ میدان و در حدفاصل دومین کوچه بن‌بست داخل میدان تا کوچه منتهی به حرم مطهر رضوی سه پلاک وجود دارد که سازه دو پلاک مربوط به دهه ۴۰ و ۳۰ و سازه پلاک دیگر مربوط به دهه ۵۰ است. دو سازه نخست از منظر نمای چوبی پنجره‌های طبقه دوم و سازه سوم از منظر نمای بیرونی خانه دیدنی و شایسته توجه هستند. پلاک سوم این مجموعه که در مجاورت کوچه بن‌بست قرار داشته و به خانه وزیری معروف است، نمونه‌ای کامل از نحوه استفاده کاشی‌های تزئینی در نمای خانه‌های مشهد در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی را به نمایش گذاشته‌است. همچنین در سمت دیگر میدان و در نبش کوچه مخابرات منزلی وجود دارد که نمای آن مربوط به سال‌های انتهایی دوره قاجار بوده و به همین دلیل به ثبت ملی رسیده‌است. سرانجام اینکه حدود سه سال پیش در میدانگاهی چهارباغ مجموعه‌ای تاریخی کشف شد که به گواهی کارشناسان میراث یک آب‌انبار تاریخی بود، اما به دلیل نبود شرایط لازم برای حفظ آن بار دیگر در زیر خاک مدفون شد.

- شعبه نفت داخل میدان

آخرین بنای مهم و داستان‌دار در محدوده کوچه چهارباغ و میدانگاهی آن، شعبه نفت موجود در این میدان است. این بنا در نگاه نخست یک شعبه فروش نفت ساده است، اما اگر بدانیم که این شعبه قدیمی‌ترین شعبه نفت هنوز فعال در مشهد محسوب می‌شود که سابقه‌ای بیش از هفتاد ساله دارد، داستان به گونه‌ای دیگر است، زیرا می‌تواند به عنوان نماد یک دوره از نحوه تولید انرژی گرمایشی در مشهد محسوب شود، البته که این مغازه در روند انقلاب هم به نوعی تأثیرگذار بوده‌است و مسئول آن یکی از فعالان دوران انقلاب بوده‌است که تحت نظارت بیت آیت‌ا... قمی، مخفیانه به توزیع سوخت بین خانواده‌های فعالان سیاسی و انقلابی بازداشتی اقدام می‌کرده است.

برای ورود به این بنا هم به رسم خانه‌های قاجاری مشهد، باید از هشتی عبور می‌شد. بنا در دو طبقه ساخته شده و اتاق‌ها ساده و بدون تزئینات بوده است. حیاط خانه هم با حوض مرکزی کوچک و باغچه‌های آن در قسمت انتهای ساختمان قرار گرفته بودند. استفاده گسترده از شکل‌های گوناگون آجرکاری به‌ویژه در همان ورودی بنا، قاپچه‌های بیضی حاوی تزئینات کاشی معرق و آجرکاری و کتیبه در بیرون و داخل بنا جزو ویژگی‌های معماری خانه عطاریانی است. همچنین معماری فضاهای داخلی این خانه طوری طراحی شده‌است که رفاه ساکنان آن را در فصل‌های گوناگون سال فراهم‌کند.

**گروه تاریخ و هویت**| خانه عطاریانی با سردر زیبا و خاصش یادگار اواخر دوران قاجار در مشهد است که البته به علت نداشتن استحکام کافی تخریب شده است.

سردر بنا تلفیقی از آجر و کاشی است تا طاق جناغی و فیل‌پوش‌های دو طرف آن پدید آید و منظر بصری زیبایی ایجاد کند. همان جادر دو طرف پافیلی‌ها، قاپچه‌های بیضی شکل است که احتمالاً دارای تزئینات و کتیبه خاصی بوده و آن‌ها نیز جزو نمای سردر خانه عطاریانی بوده است. همچنین بالای سردر، کتیبه‌ای از کاشی لاجورد با خط سفید با مضمون آیات قرآن اجرا شده بوده و همه این‌ها در کنار هم ورودی بنا را شاخص می‌کرده است.



**منار خسروگرد؛ شاهد تاریخ بی‌یق**

نیم‌نگاهی به شکوه منار خسروگرد که قد نار پختی از ارتقا‌شی بلندتر است



هادی دقیق

تقریباً از قرن پنجم هجری قمری عنصری به معماری ایرانی اسلامی وارد شد که به‌جز راهنمای مسیر برای مسافران، کاربری‌های نمادین سیاسی، نظامی و یادمانی داشت و حتی در برخی نمونه‌ها با گذشت سال‌ها، کاربری آرامگاه نیز به آن‌ها اضافه شد. هر چند که منارها و میل‌ها پیشینه‌ای قدیمی‌تر دارند و حتی در معماری پیش از اسلام هم به چشم می‌خورند. با وجود این، پیش‌تر از این‌ها نیز منارهای زیادی با کاربری مذهبی افزون به کارکردهایی که یادشد، کنار مساجد ساخته می‌شدند. در دوره اسلامی منارسازی رونق پیدا کرد و کم‌کم به عنصری کلیدی بدل شد و در سراسر سرزمین‌های اسلامی نمود یافت و نمادی برای مساجد شد. بیشتر منارها حاوی کتیبه‌هایی با مضامین مذهبی یا حتی آرزوی سلامتی برای مسافران بوده‌اند، کتیبه‌هایی که خط بیشترشان در دوره اسلامی خط کوفی است و ترکیبی از نقوش هندسی و گیاهی. خط کوفی با فن اجرای مصالح آجر بسیار نزدیکی دارد. ازاین‌رو، با رونق آجرکاری در شیوه رازی به‌ویژه دوره سلجوقی، کتیبه‌های آجری کوفی آدین بناها شدند، هنری که می‌توان اوج پیشرفت و تنوع آن را در کتیبه‌های دوره سلجوقی و ایلخانی دید.

- منار در لغت

در فرهنگ فارسی «عمید، منار یا مناره به فتح میم، جای نور و روشنایی است و دهخدا هم وجه تسمیه آن را چراغ می‌داند، چراغی که برای راه یافتن مسافران بر فراز مناره می‌افروختند. همچنین در لغت‌نامه‌ها سازه‌ای بلند معرفی شده‌است که بر سر آن اذان می‌گویند. این‌ها نشان می‌دهد که مناره دو کاربرد اصلی داشته است: راهنمایی مسافر و محلی برای اذان گفتن.

- خسروگرد؛ ساکن قدیمی حاشیه جاده ابریشم

در این میان، خراسان دوره سلجوقی از روزگار رونق این هنر معماری خبر می‌دهد، منارسازی و آجرکاری‌های بی‌مانند. از نمونه‌های شاخص آن هم منار خسروگرد است که تناسب و تعادل آجرکاری در آن به‌زیبایی در میان سایه‌روشن‌های آجرکاری‌اش پیدا‌ست، مناری که قرن‌هاست در کنار جاده ابریشم جا خوش کرده‌است و بی‌گمان اتفاقات تاریخی فراوانی در اطرافش دیده‌است. منار خسروگرد در میانه دی ۱۳۱۰ ثبت ملی شد.

خسروگرد امروز یکی از آبادی‌های اطراف سبزوار، در مسیر سبزوار به شاهرود است. منار خسروگرد نیز با فاصله‌ای کم از شهر سبزوار، در جنوب روستای خسروگرد و درست جایی قرار دارد که رفت و برگشت جاده از هم جدا و جاده یک‌طرفه می‌شود. وسط همین دو خط اصلی جاده دوربرگردان است که به پای منار خسروگرد می‌رسد. برخی تاریخ‌نگاران تاریخ خسروگرد را بسیار عقب‌تر از سبزوار می‌دانند، آن‌هم با استنادهایی مثل این نمونه‌از اعتمادالسلطنه در «مراث بلدان ناصری»: «ساقیادارالملک این ناحیه خسروجرد بوده، اما اکنون سبزوار است.» درباره منار خسروگرد در جای‌جای سفرنامه‌ها و کتاب‌های تاریخی اشارات فراوانی یافت می‌شود، اما همه آن‌ها بنا را مربوط به دوره سلجوقی در خسروگرد می‌دانند که در آن زمان حاکم‌نشین منطقه بی‌یق بوده‌است. بررسی‌های شرق‌شناسانی مثل هرتسفلد و خانیکف نیز این موضوع را تأیید می‌کند.

- فراز و فرود منار خسروگرد

به هر حال، منار خسروگرد از اندک با‌مانده‌های تاریخی است که با حوال، منار گفتنی‌های فراوانش، ناگفتنی‌های زیادی هم دارد. با وجود آنکه برخی آن را یگانه‌با‌مانده مسجد بزرگ خسروگرد می‌دانند. آنچه پژوهش‌های باستان‌شناسی در اطراف منار در سال ۱۳۸۰ مشخص کرد، منار خسروگرد را میل راهنما معرفی می‌کند. ارتفاع تقریبی این منار سی متر است و ساقه آن از نوع منارهای مخروطی است که در ارتفاع، اندازه‌اش کوچک‌تر می‌شود. یعنی قاعده منار از نوک آن بزرگ‌تر است. این ویژگی، هم سبب استحکام و ایستایی بهتر بنا می‌شود و هم شگردی است برای تماشاگری که پای آن ایستاده است، تا در این پرسپکتیو، منار را بلندتر ببیند. پایه بنا هم سازه‌ای با هندسه مربع و هر ضلع آن پنج متر است. بر بالا و پایین این میل، دو کتیبه وجود دارد که بالا‌ای سالم‌تر است و بانی بنا را معرفی می‌کند. اما کتیبه پایینی خیلی آسیب دیده‌است و از میان آجرهای آن فقط می‌توان سال ساختش را دید، سندی مهم برای بنا که سال ۵۰۵ قمری را نشان می‌دهد، سال‌هایی مصادف با هیاهوی سلاجقه در خراسان.

دوره سلجوقی را می‌توان اوج هنر آجرکاری دانست، به‌شکلی که نه فقط آجرکاری تزئین بنا بود، بلکه به‌عنوان عنصری هماهنگ با کلیت بنا، به استحکام آن هم کمک می‌کرد. در منار خسروگرد هم این ویژگی هنر معماری دوره سلجوقی به‌شکلی خیره‌کننده خودنمایی می‌کند و جزو منارهای زیبای قرن ششم است. به‌جرت می‌توان گفت این همه زیبایی آجرکاری هم‌سنگ‌تزیینات آجرکاری و پر تزئین منارهایی مثل مسجدجامع ساره، هم‌دوره تاریخی منار خسروگرد، است. آجرکاری خفته‌راسته، استفاده از آجرهای تراش و پیش‌بر برای تزئین و گره‌سازی و همچنین کتیبه‌های آجری آن ازجمله دیدنی‌های این منار است.

در کتاب «مطلع‌الشمس»، هم آمده‌است که ناصرالدین شاه قاجار در بازگشت از سفر خراسان در سال ۱۳۳۰ قمری دستور بازسازی بنا را داده‌است. بنا اکنون در وضعیتی باثبات است و در کنار یکی از جاده‌های اصلی خراسان و ایران پذیرای علاقه‌مندان به تاریخ و گره‌های دوران اوج هنر آجرکاری است.

در این یادداشت از این منابع الهام گرفته شده است: آشنایی با معماری اسلامی ایران، محمدکریم پیرنیا، تحلیل فرم و ساختار کتیبه‌های مناره‌های آجری دوره غزنوی و سلجوقی در خراسان، نشریه «جلوه هنر، بررسی تزئینات آجرکاری در مناره خسروجرد سبزوار، فصلنامه «نقش‌مایه»، خسروگرد، «نامه آستان قدس» گزارش ثبت اثر.

شهر

۲۳ شنبه  
۱۳ دی ۱۳۹۱  
شماره ۳۸۵۰

SHAHRAANNEWS.IR



تاریخ و هویت